



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

A Research on Compensation for Tooth Loss and Tooth Fracture in Light of Criticism and Proposed Amendment to Article 620 of the Penal Code

Taha Zargariyan^{1*}, Farahnaz Sadat Yousefzadeh²

1. Department of Law, Faculty of Humanities, University of Ayatollah Boroujerdi, Boroujerd, Iran.

2. Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The criminal legislator has stipulated in Article 620 of the Penal Code that in cases of tooth fracture and tooth loss, if it does not result in the complete loss of the tooth, it leads to compensation equal to the value of the tooth and otherwise, it leads to a fine. The existing jurisprudential and legal studies and evaluations have critically examined the provision regarding compensation in the mentioned crimes.

Method: This research, while maintaining its theoretical nature, evaluates the collected data obtained through library references, documents and articles using a descriptive-analytical approach.

Ethical Considerations: The authenticity of the texts has been preserved throughout the writing process to ensure special attention to honesty and integrity.

Results: A review of the sources of jurisprudence in the Imamia school indicates the existence of three perspectives on tooth fracture and tooth loss crimes. One jurisprudential perspective, which the legislator follows, considers it as compensation. Some jurists consider the punishment for the mentioned crimes to be two-thirds of the value of the tooth, while another group of jurists consider it equal to one-half of the value of the tooth.

Conclusion: Jurisprudential and legal research provides valid reasons for determining a specific compensation for tooth fracture and tooth loss. Although the rationale behind the two-thirds compensation perspective is questionable, the valid reasoning supporting the perspective that considers compensation for tooth fracture and tooth loss crimes to be equal to one-half of the value of the tooth is acceptable.

Keywords: Crime; Compensation; Tooth Fracture; Tooth Loss

Corresponding Author: Taha Zargariyan; **Email:** tahazargariyan93@abru.ac.ir

Received: July 08, 2023; **Accepted:** October 18, 2023; **Published Online:** May 17, 2025

Please cite this article as:

Zargariyan T, Yousefzadeh FS. A Research on Compensation for Tooth Loss and Tooth Fracture in Light of Criticism and Proposed Amendment to Article 620 of the Penal Code. Medical Law Journal. 2024; 18: e44.



بازاندیشی فقهی - حقوقی دیه ترک و لقی دندان

در پرتو نقد و پیشنهاد اصلاح ماده ۶۲۰ ق.م.ا

طه زرگریان^{*۱} ID، فرحناز سادات یوسفزاده^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیتا... العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قانونگذار جزایی، جنایات ترک دندان و لق شدن دندان را در صورتی که در حکم از بین رفتن دندان نباشد، طی ماده ۶۲۰ ق.م.ا، ارش اعلام کرده است: «ایجاد ترک یا لق کردن دندان، هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است.» مطالعات فقهی - حقوقی و ارزیابی‌های انجام‌شده، بیانگر نقد جدی به حکم ارش در جنایات مورد نظر است. **روش:** پژوهش پیش رو با حفظ ماهیت نظری خود، داده‌های اطلاعاتی که از طریق مراجعه به کتابخانه، اسناد و مقالات جمع‌آوری کرده است را با روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار داده است. **ملاحظات اخلاقی:** اصالت متون در تمامی مراحل نگارش، رعایت شده تا از این طریق به مواضع صداقت و امانتداری توجه ویژه شده باشد.

یافته‌ها: تتبع در منابع فقه امامیه بیانگر وجود سه دیدگاه درباره جنایات ترک دندان و لق شدن دندان است. یک دیدگاه فقهی که قانونگذار از آن تبعیت کرده است، به ارش معتقد است. گروهی از فقها، حکم جنایات مذکور را از قرار دوسوم دیه همان دندان می‌دانند و گروه دیگری از فقها، حکم جنایات مورد بحث را برابر با یک‌دوم دیه همان دندان عنوان می‌کنند.

نتیجه‌گیری: تحقیقات فقهی - حقوقی، بیانگر وجود دلیل روایی برای دیه مقدر در ترک دندان و لق شدن دندان است، هرچند دلیل دیدگاه دوسوم دیه قابل خدشه است، اما دلیل روایی دیدگاهی که دیه را در جنایات ترک دندان و لق شدن دندان با یک‌دوم دیه همان دندان اعلام می‌کند، قابل پذیرش است.

واژگان کلیدی: جنایت؛ ارش؛ ترک دندان؛ لقی دندان

نویسنده مسئول: طه زرگریان؛ پست الکترونیک: tahazargariyan93@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zargariyan T, Yousefzadeh FS. A Research on Compensation for Tooth Loss and Tooth Fracture in Light of Criticism and Proposed Amendment to Article 620 of the Penal Code. Medical Law Journal. 2024; 18: e44.

مقدمه

دندان با توجه به کیفیت مقاومت آن و همچنین با توجه به نوع ضربه وارده بر آن، می‌تواند هدف جنایات متفاوتی واقع شود. قانونگذار همه تلاش خود را در جهت رسیدگی به احکام جنایات دندان به کار بسته که نتیجه آن را می‌توان از ماده «۶۱۶» تا «۶۲۵» قانون مجازات اسلامی مورد مطالعه قرار داد، از جمله جنایاتی که برای دندان ایجاد می‌شود، عبارت است از ترک خوردن دندان و لقی شدن دندان. قانونگذار طی ماده ۶۲۰ ق.م.ا مقرر کرده است: «ایجاد ترک یا لقی کردن دندان، هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است.» بر اساس ماده مذکور معلوم می‌شود، هرگاه دندان در اثر جنایات ترک بردارد و یا لقی شود؛ ارش آن به میزان دیه دندانی که جنایت بر آن واقع شده است، محاسبه می‌شود. با تتبع در فقه جزایی معلوم می‌شود که لزوم ارش در جنایات ترک دندان و لقی دندان به یکی از چند دیدگاه فقهی بازمی‌گردد. گروهی از فقهای امامیه بر این باور هستند که حکم ترک دندان و لقی دندان، ارش است، اما با مذاقه در آثار فقهی معلوم می‌شود که دو دیدگاه دیگر در این باره موجود است. گروه دیگری از فقها معتقد هستند که حکم دندان در جنایات ترک خوردگی و لقی شدن به میزان دوسوم دیه همان دندان است، اما گروه دیگری از فقها متفاوت از دو دیدگاه پیشین، این چنین می‌اندیشند که دیه دندان در جنایات ترک خوردگی و لقی شدن به میزان یکدوم دیه همان دندان است. تفاوت آشکاری میان هر سه دیدگاه وجود دارد: تفاوت مهم دیدگاه اول نسبت به دیدگاه دوم و سوم در غیر مقدر بودن دیه است، زیرا دیدگاه اول به لزوم ارش معتقد است، در حالی که مطابق با دیدگاه دوم و سوم به ترتیب دیات مقدر دوسوم و یکدوم، لازم می‌یابد، اما تفاوت آشکار دیدگاه دوم و دیدگاه سوم، علیرغم اینکه هر دو در مقدر بودن مشترک هستند، اما نسبت میان آن‌ها کاملاً متفاوت است، زیرا دیدگاه دوم به دوسوم دیه عنایت دارد و دیدگاه سوم به یکدوم دیه. با تحقیقات انجام شده مشخص می‌شود، قائلین به دیدگاه ارش که البته دیدگاه منتخب قانونگذار هم

هست برای ثبوت اندیشه خود به عدم وجود دلیل شرعی برای ثبوت دیه ترک دندان و لقی شدن دندان استناد می‌جویند؛ این در حالی است که پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر ذکر دلایل شرعی برای ثبوت دیه دندان در جنایات مورد نظر است. ارزیابی دلایل روایی برای دیدگاه دوم و سوم، می‌تواند موجب ضعف دیدگاه لزوم ارش در جنایات مورد نظر باشد. همچنین ارزیابی دلایل دیدگاه دوم و دیدگاه سوم، معلوم می‌کند که دیدگاه دوم از قوت لازم برای ثبوت دوسوم دیه در جنایات ترک دندان و لقی شدن دندان برخوردار نیست. تحقیق حاضر در نظر دارد، همه دیدگاه‌های موجود درباره بحث حاضر را طرح نماید و به تفصیل بعد از ذکر ادله به بررسی آن‌ها بپردازد. نتیجه ارزیابی‌های موجود در پژوهش حاضر به نقد و پیشنهاد اصلاح ماده ۶۲۰ ق.م.ا می‌انجامد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

پژوهش پیش رو با حفظ ماهیت نظری خود، داده‌های اطلاعاتی که از طریق مراجعه به کتابخانه، اسناد و مقالات جمع‌آوری کرده است با روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار داده است.

یافته‌ها

هرچند دیدگاه حکم ارش در جنایات ترک دندان و لقی شدن دندان، برخاسته از اندیشه گروهی از فقهای امامیه است، اما تنها دیدگاه موجود در این باره نیست. تتبع در منابع فقه امامیه بیانگر وجود دو دیدگاه دیگر در این باره است. گروهی از فقها، حکم جنایات مذکور را از قرار دوسوم دیه همان دندان می‌دانند و گروه دیگری از فقها، حکم جنایات مذکور را برابر با یکدوم دیه همان دندان عنوان می‌کنند.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. دیه: «دیه» در منابع فقهی عبارت است از مالی که جانی، جهت مجازات یا جبران خسارت به مجنی‌علیه پرداخت می‌کند (۱). حائز اهمیت است که پژوهش حاضر از دیدگاهی در تعریف دیه تبعیت می‌کند که لفظ دیه را منحصر در دیه مقدر می‌داند. دیه مقدر طی ماده ۴۴۸ ق.م.ا: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.»

۲-۱. ارش: ارش در اصطلاح فقهی عبارت از مالی است که به سبب جنایت بر مادیون نفس در مواردی که دیه آن در شرع مشخص نشده، به مجنی‌علیه پرداخت می‌شود (۲). ارش در دانش پزشکی قانونی همسو با مفهوم فقهی - حقوقی آن عبارت است از خسارت ناشی از نقص عضوی که بر اساس دیه عضو یا دیه کامل سنجیده می‌شود (۳).

۳-۱. دندان: صاحب‌نظران دانش پزشکی در تعریف دندان اینچنین نگاشته‌اند: «دندان عبارت از ساختارهایی سفیدرنگ در درون دهان بر روی آرواره بسیاری از مهره‌داران است که برای خوردن، جویدن و تکه‌تکه کردن خوراک به کار می‌رود. دندان انسان در دو دوره مهم به دندان‌های شیری در سنین کودکی و دندان‌هایی دائمی در دوره بعد از کودکی قابل تقسیم است» (۴).

۲. موضوع‌شناسی: موضوع کلی پژوهش حاضر، عبارت است از جنایت بر دندان، لکن جنایت بر دندان با توجه به شدت و حدت ضربه وارد بر دندان می‌توان از جا کنده شدن دندان تا تغییر رنگ آن یا شکستگی و... متفاوت باشد. مشخص شدن موضوع پژوهش حاضر به طور جزئی و دقیق می‌تواند در حل مسأله مورد پژوهش مؤثر باشد.

۱-۲. جنایت «صدع» در دندان: از جمله جنایات دندان در بیان روایات و کلام فقهای امامیه، عبارات است از جنایت «صدع». در بیان روایی یا کلام فقها می‌توان واژه «صدع» را با هیأت‌های مختلفی، مانند هیأت «انصداع» در عبارت «وَإِنْ

أَنْصَدَعَتْ وَ لَمْ تَسْقُطْ» و هیأت «تَصَدَّعَتْ» در عبارت «وَإِنْ تَصَدَّعَتْ وَ لَمْ تَسْقُطْ» مورد مطالعه قرار داد. اکنون مهم است که معلوم شود مقصود از واژه «صدع» در بیان روایات و کلام فقها چیست، زیرا تنها در این صورت می‌توان نوع جنایت و میزان دقیق دیه آن را مورد شناسایی و تقنین در قانون مجازات اسلامی قرار داد. جستجو در منابع فقه جزایی، بیانگر آن است که فقهای امامیه واژه «صدع» را ناظر بر جنایت دندان با چهار تعبیر «انشقّت»، «تَقَلَّقَلْ»، «تَخَلَّخَلْ» و «تَحَلَّخَلْ» مورد تعریف قرار داده که جهت ارزیابی و نتیجه‌گیری از آن‌ها به شرح ذیل ارائه می‌شوند.

۱-۲-۱. انشقّت: بعضی از فقها در معنا و مفهوم واژه «انصداع» به واژه «إِنْشَقَّ» اشاره کرده‌اند، «إِذَا انصدع السنَّ أَى انشقَّت» (۵). واژه «إِنْشَقَّ» از ریشه «شق» و مصدر «إِنْشِقَاقٌ» به معنای باز شدن میان چیزی و به سخن دیگر به معنای شکافتن است (۶-۷). با تتبع در منابع لغوی می‌توان دریافت که بعضی از علمای لغت، برای ترجمه واژه «إِنْشَقَّ» از واژه «انصداع» بهره جسته‌اند که این خود بیانگر نزدیکی بسیار زیاد مفهوم این دو واژه در معنای شکافته شدن یا همان ترک برداشتن است «انشقَّ: انصدع، صار فيه شقٌّ» (۸-۹).

۲-۱-۲. تَقَلَّقَلْ: گروهی دیگری از فقها در تشخیص معنا و مفهوم واژه «انصداع» به واژه «تَقَلَّقَلْ» اشاره داده‌اند، «فی انصداعها و هو تَقَلَّقَلُها» (۱۰-۱۱). علمای لغت در معنای «تَقَلَّقَلْ، يَتَقَلَّقَلُ» به مفهوم حرکت کردن و جا به جایی اشاره کرده‌اند (۷، ۹)، مانند آنکه گفته می‌شود «تَحَرَّك و اهْتَزَّ فِی مكانه» (۸).

۳-۱-۲. تَخَلَّخَلْ: بعضی دیگر از فقها در معنای واژه «انصداع» از تعبیر «تخلخل» بهره جسته‌اند «الانصداع أَى التخلخل» (۱۲-۱۳). با تتبع در منابع لغوی می‌توان دو معنای نزدیک به واژه «إِنْشَقَّ» و «تَقَلَّقَلْ» را برای واژه «تخلخل» دریافت (۱۴)؛ بعضی در معنای «تخلخل» به گشوده شدن بین دو چیز اشاره کرده‌اند «مُنْفَرَجٌ مَا بَيْنَ كُلِّ شَيْئَيْنِ» که این معنا بیانگر مفهوم شکافته شدن و ترک برداشتن است (۶-۷). بعضی دیگر از علمای لغت برای واژه «تخلخل»، معانی جا به جایی و

حرکت کردن چیزی از جای خود را معنا کرده‌اند «تحرک و اهتز فی مکانه» (۸).

۲-۱-۴. تَخْلَل: گروهی از فقها برای معنای واژه «انصداع» به بهره‌بردن از واژه «تحلل» اقدام کرده‌اند «إذا انصدعت و لم تسقط أي تحللت» (۱۵). لغت تَخْلَل - تَخْلُلًا از حلل به معنای از جای تکان خوردن است (۶، ۹)، مانند آنکه گفته می‌شود چیزی از جای خود جنبید و دور شد «تَخْلَل عَنْ مَكَانِهِ» (۱۴).

بر اساس معنانشناسی واژه «صدع» در موضوع جنایت دندان می‌توان دریافت که عبارت مورد نظر درصدد بیان دو جنایت ترک دندان و لق شدن است که به شرح ذیل قابل مطالعه است.

- صدع به معنای ترک خورد دندان: همانطور که در معنانشناسی واژه «صدع» مشخص شد، فقهای امامیه از دو تعبیر «إِنْشَقَّ» و «تَخَلَّلَ» برای معنای صدع استفاده کردند. همچنین بحث شد که تعابیر «إِنْشَقَّ» و «تَخَلَّلَ» در منابع لغوی به معنای شکافته شدن میان یک چیز یا میان دو چیز است «مُنْفَرَجٌ مَا بَيْنَ كُلِّ شَيْئَيْنِ» (۹-۶). اگر همانطور که اهل لغت واژگان «إِنْشَقَّ» و «تَخَلَّلَ» را به شکافتن معنا می‌کنند و همچنین همانطور که فقها نگاشته‌اند، تعابیر «إِنْشَقَّ» و «تَخَلَّلَ» برای واژه «صدع» معنا شود، آنگاه معلوم می‌شود که مقصود از انصداع دندان، جنایت ترک خوردن دندان است، زیرا دندان در جنایت ترک خوردگی از هم شکافته می‌شود. شکافته شدن دندان بر اساس داده‌های دانش پزشکی قانونی، تحت عنوان جنایت ترک خوردگی تقسیم می‌شود (۳، ۱۶). تصویر ۱ می‌تواند نمایی از جنایت ترک خوردن دندان را به نمایش بگذارد.



تصویر ۱: ترک خورد دندان جلو

- صدع به معنای لق شدن دندان: همانطور که در معنانشناسی واژه «صدع» مشخص شد، فقهای امامیه از دو تعبیر دیگر «تَقْلَقَ» و «تَخَلَّلَ» برای معنای صدع استفاده کرده‌اند. همچنین بحث شد که تعابیر «تَقْلَقَ» و «تَخَلَّلَ» در منابع لغوی به معنای از جای خود جنبید و تکان خوردن است «تحرک و اهتز فی مکانه» (۷، ۹، ۱۴). اگر همانطور که اهل لغت واژگان «تَقْلَقَ» و «تَخَلَّلَ» را به از جای خود جنبید و تکان خوردن معنا می‌کنند. همچنین همانطور که فقها نگاشته‌اند، تعابیر «تَقْلَقَ» و «تَخَلَّلَ» برای واژه «صدع» معنا شود، آنگاه معلوم می‌شود که یکی دیگر از مفاهیم جنایت انصداع دندان، جنایت لق شدن دندان است، زیرا دندان در جنایت لق شدگی از جای خود تکان خورده و از موضع اصلی خود، یعنی ریشه دور و لق می‌شود. جا به جایی دندان بر اساس داده‌های دانش پزشکی قانونی، تحت عنوان جنایت لق شدگی دندان دسته‌بندی می‌شود (۳، ۱۶). تصویر ۲ می‌تواند نمایی از جنایت لقی دندان را به نمایش بگذارد.



تصویر ۲: لق شدن دندان جلو

قانونگذار جزایی از ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی تا ماده ۶۲۵ آن قانون به موضوع دیات دندان پرداخته و تلاش کرده تا همه فروض جنایات بر دندان را مورد تقنین قرار دهد. از جمله مهم‌ترین مواد قانونی دیه دندان به نخستین ماده آن، یعنی ماده ۶۱۶ بازمی‌گردد. ماده ۶۱۶ به بیان حکم کلی جنایت بر دندان در فرض از بین بردن آن پرداخته است. در ماده مذکور ضمن بیان اینکه دیه از بین بردن تمام دندان‌ها مساوی با دیه کامل انسان است، مقرر شده است: «از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشت گانه، دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود: ۱- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش،

چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد؛ ۲- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد.» اکنون که حکم کلی از بین‌بردن همه دندان‌ها بیان شد، می‌توان ماده ۶۲۰ ق.م.ا را در جهت شناسایی دیه جنایات ترک و لقی دندان مورد مطالعه قرار داد. قانونگذار در خصوص دیه ترک‌برداشتن و لقی‌شدن دندان مقرر کرده است: «ایجاد ترک یا لقی‌کردن دندان، هرگاه در حکم از بین‌بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است.» با مذاقه در ماده مذکور می‌توان دریافت که قانونگذار، دو فرض را در جنایات ترک و لقی دندان مورد توجه قرار داده و برای هر یک به شرح ذیل، تقنین مستقلی از دیگری وضع کرده است: ۱- دیه کامل دندان: هرگاه جنایت بر دندان، موجب لقی‌شدن یا ترک‌برداشتن دندان شود، به گونه‌ای که یک لقی‌شدن معمولی یا ترک ساده نباشد، بلکه موقعیت جنایت به گونه‌ای باشد که دندان را به حیث شدت جنایت در معرض از بین‌رفتن قرار دهد، قانونگذار برای چنین جنایتی به دیه کامل همان دندان حکم کرده است، بدیهی است اگر جنایت مورد نظر در دندان‌های پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، ایجاد شود، دیه این جنایت بر هر یک از آن دندان‌ها مساوی با یک‌بیستم دیه کامل است و اگر جنایت مورد نظر در دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، ایجاد شود، دیه چنین جنایتی بر هر یک از آن دندان‌ها مساوی با یک‌چهلیم دیه کامل است؛ ۲- ارش: جنایت بر دندان می‌تواند با کیفیت فوق‌الذکر نباشد، بلکه شدت و حدت ضربه به دندان به گونه‌ای باشد که به یک لقی‌شدن عادی و یا به یک ترک ساده در دندان ختم شود، ترکی که دندان را با مشکلات جدی مانند افتادن دندان یا موقعیتی در حکم از بین‌رفتن دندان مواجه نسازد. قانونگذار جزایی برای چنین جنایتی بر

دندان به دیه مقدر، معتقد نیست و به همین جهت به ارش، حکم کرده است. بر اساس حکم مذکور، هرگاه دندان‌های پیش، چهارتایی و نیش که جمعاً دوازده عدد است، لقی شود و یا ترک بردارد که در حکم از بین‌بردن دندان نباشد، ارش آن جنایت بر اساس یک‌بیستم دیه کامل دندان محاسبه می‌شود و اگر دندان‌های عقب که جمعاً شانزده عدد است، لقی شود و یا ترک بردارد که در حکم از بین‌بردن دندان نباشد، ارش آن جنایت بر اساس یک‌چهلیم دیه کامل محاسبه می‌شود.

همانطور که پیش‌تر گفته شد، بر اساس صدر ماده ۶۲۰ ق.م.ا، هرگاه ترک دندان یا لقی دندان، دندان را در حکم از بین‌رفتن قرار دهد، حکم آن برابر با دیه کامل همان دندان است. حکم دیه کامل دندان در فرض مذکور مورد پذیرش همه فقها بوده و پژوهش حاضر هیچ‌گونه نقدی بر حکم مذکور ندارد، لکن مسأله و نقد تحقیق پیش رو، منحصر بر ذیل ماده ۶۲۰ ق.م.ا است، یعنی فرضی که جنایات ترک دندان یا لقی دندان به گونه‌ای باشد که در حکم از بین‌رفتن دندان محسوب نشود. مطابق با مطالب مذکور، روشن می‌شود که موضوع پژوهش پیش رو عبارت است از ارزیابی میزان دیه جنایات ترک دندان و لقی دندان در فرضی که جنایات مورد نظر، موقعیت دندان را در حکم از بین‌رفتن آن دندان قرار ندهد.

۳. ارزیابی مبانی فقهی دیه ترک و لقی دندان: با تتبع در منابع فقهی می‌توان دریافت، فقهای امامیه درباره میزان دیه ترک و لقی دندان، دارای سه دیدگاه مختلف هستند. قابل توجه است که سه دیدگاه مورد نظر مربوط به فرضی است که ترک یا لقی دندان، موجب از بین‌بردن دندان یا در حکم از بین‌بردن دندان نباشد. بعضی از فقها درباره میزان دیه فرض مورد نظر به دوسوم دیه کامل همان دندان معتقد شده‌اند. بعضی دیگر از فقها قائل به یک‌دوم دیه کامل همان دندان هستند و دیدگاه سومی که در این باره وجود دارد به حکم ارش معتقد شده است. دیدگاه‌های موجود برای طرح و بررسی به شرح ذیل ارائه می‌شوند.

۳-۱. دیدگاه اول: دوسوم دیه: هرگاه دندان لقی شود و یا ترک بردارد، به گونه‌ای که موقعیت دندان را در حکم از

بین رفتن آن دندان قرار ندهد، دیه آن به میزان دوسوم دیه کامل همان دندان خواهد بود «و لو اسودت بالجنایة و لم یسقط فیهما ثلثا دیتها، و کذا لو انصدعت و لم تسقط» (۲۲-۱۷). محقق خوئی (ره) در کتاب مبانی تکملة المنهاج بر این باور است که دیدگاه مذکور، باور مشهور فقهای امامیه است «المشهور أن فی انصداع السنّ ثلثی دیتها» (۲۳).

۳-۱-۱. **دلیل اول: روایت:** با مذاقه در آثار فقهای که خود قائل به دوسوم دیه همان دندان در فرض مورد بحث هستند، معلوم می‌شود که هیچ یک از آنان به طور مستقیم به هیچ‌گونه دلیل روایی برای دیدگاه خود استناد نکرده‌اند، اما از آثار فقهای که البته خود به دیدگاه دوسوم دیه کامل همان دندان معتقد نیستند، می‌توان دریافت که فقهای قائل به دوسوم دیه به یک روایت استناد می‌جویند (۲۴). از آن جهت که روایت مورد ادعا در هیچ کتاب فقهی یا روایی قابل مشاهده نیست، طبعاً پژوهش حاضر از نگارش آن معذور است.

۳-۱-۱-۱. **ارزیابی دلیل روایت:** روایت مورد ادعا به عنوان دلیل معتبر برای دیدگاه دوسوم دیه همان دندان در جنایات ترک و لقی دندان قابل پذیرش نیست، زیرا اولاً که هیچ یک از فقهای قائل به دوسوم دیه همان دندان، خود به دلیل روایت اشاره نکرده‌اند، بلکه دلیل روایت از طرف فقهای مانند محقق حلی در شرایع الاسلام به صاحبان این دیدگاه نسبت داده شده است که خود به دیدگاه ارش اعتقاد دارد نه به دیدگاهی که دیه جنایات مورد بحث را دوسوم دیه همان دندان می‌داند (۲۴)؛ دوماً حتی فقهای که دلیل روایت را به صاحبان دیدگاه دوسوم دیه نسبت می‌دهند، معلوم نمی‌کنند که این چه روایتی است و یا در کدام منبع روایی وجود دارد. صاحب جواهر الکلام در کتاب خویش می‌نگارد که هیچ یک از فقهای امامیه چنین روایتی را مشاهده نکرده و فقط بعضی از مردم در عمل به آن توقف کرده‌اند، «لکن قد اعترف غیر واحد ممن تأخر عنه بعدم العثور علیها، بل توقف بعد الناس فی العمل» (۲۵). عدم وجود روایت ادعایی در هیچ یک از منابع فقهی یا منابع روایی، مورد تأیید همه فقها است (۲۶-۲۷)؛ سوماً، این گروه از فقها در پایان بحث خود و نسبتی که به صاحبان

دیدگاه دوسوم دیه می‌دهند، از ضعف روایت ادعایی سخن گفته و روایت نانوشته را رد کرده و بر اساس مفاد آن حکم نمی‌دهند «فی انصداعها و لم تسقط ثلثا دیتها و فی الروایة ضعف» (۲۴). گروهی از فقها اشاره کرده‌اند که سند روایت مورد ادعا، مرسل بوده و از جهت دلالت نامفهوم است (۱۱)، اما بعضی از فقها بر این باور هستند که چه‌بسا بتوان ضعف روایت ادعایی را با استناد به شهرت جبران نمود (۲۸)، لکن استناد به هیچ یک از اقسام شهرت نمی‌تواند موجب جبران ضعف روایت ادعایی شود، زیرا از جمله اصول استناد به شهرت برای جبران ضعف روایت، واضح‌بودن دلالت روایت است، در حالی که روایت ادعایی در بحث حاضر در مرحله ادعا باقی مانده و در هیچ یک از منابع فقهی یا منابع روایی قابل مشاهده نیست تا بتوان دلالت آن را مورد ارزیابی قرار داد (۱۱، ۲۵). از این رو است که صاحب‌نظران فقهی بر این باور هستند که ضعف روایت ادعایی نه با تمسک به شهرت فتوایی و نه شهرت روایی و نه با تمسک به شهرت عملی امکان ندارد (۵، ۲۹).

۳-۱-۲. **دلیل دوم: مقایسه با جنایات دیگر دندان:** بعضی از فقها در مقام اقامه دلیل برای ثبوت دوسوم دیه در جنایات ترک دندان و لقی دندان به مقایسه این جنایات با جنایات سیاه‌شدن دندان اقدام کرده‌اند. این گروه از فقها بر این باور هستند، وقتی دیه دندان در فرض سیاه‌شدن، دوسوم دیه همان دندان است، به طریق اولی باید گفت که حکم جنایات ترک و لق‌شدن دندان، دوسوم دیه همان دندان خواهد بود (۲۸). بعضی از فقها در مقام ارائه دلیل برای دوسوم دیه دندان در فرض مورد بحث، جنایات ترک‌برداشتن و لق‌شدن دندان را با جنایت «شلل» مقایسه کرده و جنایات لقی و ترک دندان را در حکم «شلل» دندان می‌دانند که دیه آن به میزان دوسوم دیه همان دندان است «تشبهه بالشلل» (۱۳، ۲۸، ۳۰).

۳-۱-۲-۱. **ارزیابی دلیل مقایسه جنایات:** آنچه که از مقایسه ترک دندان و لقی دندان با جنایات دیگر دندان مشخص می‌شود، مقایسه با جنایات سیاه‌شدن و «شلل» دندان است، لکن مقایسه جنایات ترک یا لقی دندان با جنایات سیاه‌شدن دندان، در زمره قیاس اولیت نیست، زیرا دندان در

فرض جنایت سیاه شدن، نهایتاً تغییر رنگ داده که هرچند اگر از دندان‌های جلو باشد، در زیبایی مجنی علیه، سوء اثر دارد، اما قابل مقایسه با جنایات ترک دندان و لقی دندان نیست، زیرا دندان در فرض ترک و لق شدگی، علاوه بر اینکه موجب اثر سوء در زیبایی مجنی علیه است، موجب ضعف کارایی دندان می‌شود. مطابق با مطالب مذکور، باید گفت که قیاس این جنایات با یکدیگر، از جمله قیاس اولویت نیست که در منطق اصولی امامیه قابل پذیرش باشد. همچنین جنایات ترک دندان و لقی دندان را نمی‌توان با جنایت «شلل» دندان مقایسه نمود، زیرا کارایی دندان، هرچند ضعیف، اما در جنایات ترک و لقی دندان قابل مشاهده است، در حالی که کارایی عضو در جنایت «شلل» به طور کلی از بین می‌رود (۱۰، ۳۱).

۳-۲. دیدگاه دوم: ارش: بعضی از فقهای امامیه بر این باور هستند، لق شدن و ترک برداشتن دندان، در حالی که در حکم از بین رفتن دندان نشود، دارای دیه مقدر نبوده و باید برای آن به محاسبه ارش پرداخت «وفی انصداع السنّ بلا سقوط الحكومة علی الأقوی» (۲۴، ۳۰، ۳۲). در خصوص شهید ثانی (ره) باید گفته شود که هرچند ایشان دیدگاه ارش را در کتاب الروضة البهية با عبارت «قیل» مورد بحث قرار داده و قول مشهور را در فرض مورد بحث، عبارت از دوسوم دیه همان دندان می‌دانند «قیل فی انصداعها الحكومة... و المشهور الأول» (۱۰)، اما در کتاب مسالک الافهام با صراحت تمام به دیدگاه ارش معتقد شده و آن را قول قوی خطاب می‌کنند «فالقول بالحكومة قوی» (۳۰). قانونگذار مجازات اسلامی با تقنین ماده ۶۲۰ ق.م.ا از دیدگاه دوم، یعنی دیدگاه ارش تبعیت کرده است: «ایجاد ترک یا لق کردن دندان، هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است.»

۳-۲-۱. دلیل عدم وجود ادله شرعی: فقهای که قائل به حکم ارش در فرض جنایات ترک و لقی دندان هستند، به عدم وجود دلیل شرعی برای دیه مقدر در جنایات مورد بحث استناد می‌جویند. این گروه از فقها اینچنین می‌اندیشند که هیچ‌گونه روایت معتبری که دیه دندان را در فرض جنایات

ترک دندان و لق شدگی دندان تعیین نماید، وجود ندارد. بر این اساس، مطابق با قاعده عدم وجود دلیل شرعی در دیات به ارش عمل می‌شود «لعدم دلیل صالح یوجب التقدير» (۳۰). با تتبع در منابع فقهی می‌توان استدلال مذکور را در قالب الفاظ دیگر مورد توجه قرار داد، مانند آنکه گفته می‌شود هرگاه دلیل شرعی بر دیه مقدری وجود نداشته باشد، اصل بر برائت از دیه مقدر است «لأصالة براءة الذمة من وجوب شیء مقدر؛ لان التقدير حکم شرعی یتوقف علی الدلالة الشرعیة و لیس» (۱۲).

۳-۲-۱. ارزیابی عدم وجود ادله شرعی: همه فقهای امامیه بر این باور هستند هرگاه جنایتی اتفاق افتد که میزان دیه آن در دلایل معتبر شرعی یافت نشود، بی‌تردید، مقدار دیه آن بر اساس میزان دیه کل آن عضو محاسبه می‌شود که تحت عنوان ارش آن جنایت شناخته می‌شود. همانطور که از توضیح مذکور معلوم است، شرط تمسک به ارش، عدم وجود دلیل شرعی است، هرچند مطابق با ارزیابی که از دیدگاه اول، یعنی دیدگاه دوسوم دیه صورت گرفت، معلوم شد که هیچ‌گونه دلیل شرعی برای آن وجود ندارد، اما با ارزیابی دیدگاه سوم، یعنی دیدگاهی که به یک‌دوم دیه معتقد است، معلوم می‌شود که میزان دیه در جنایات ترک دندان و لق شدگی دندان در یک روایت صحیح السند و صریح الدلالة قابل مشاهده است. پس با وجود ادله شرعی نمی‌توان به دلیل عدم وجود دلیلی شرعی تمسک کرد و به ارش حکم نمود. از این رو است که گروهی از فقهای امامیه، دیدگاه ارش را در بحث حاضر با عبارت «قیل» مورد نظر قرار داده که بیانگر ضعف آن دیدگاه است «... وكذا فی انصداعها وقیل الحكومة» (۲۰).

۳-۳. دیدگاه سوم: یک‌دوم دیه: با مذاقه در آثار فقهی می‌توان دریافت گروهی از فقها درباره دیه جنایات ترک دندان و لق شدن دندان مانند دو دیدگاه پیشین نمی‌اندیشند. این گروه از فقها بر این باور هستند که هرگاه دندان در اثر جنایت ترک بردارد و یا لق شود، دیه آن به میزان یک‌دوم دیه همان دندان خواهد بود «و ان انصدعت و لم یسقط، فدیته خمسة و عشرون دینارا» (۳۴-۳۳). تتبع در منابع فقهی بیانگر آن است که بعضی از فقها به دیدگاه یک‌دوم دیه در جنایات مورد بحث

اشاره کرده‌اند، اما نوع بیان این فقها به گونه‌ای که پذیرش یا عدم پذیرش این دیدگاه در نظر آنان مبهم است (۲۶، ۳۵).

۳-۱-۳. دلیل روایت: فقهای که قائل به دیدگاه یک‌دوم دیه در جنایات ترک دندان و لق شدن دندان هستند به دو روایت مشهور به روایت «ظریف» و روایت «رضوی» استناد می‌جویند، لکن از میان دو روایت مذکور، روایت ظریف به عنوان دلیل غالب فقها در بحث حاضر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، تمرکز ارزیابی به روایت ظریف جلب خواهد شد و روایت «رضوی» به عنوان مؤید مفاد روایت ظریف در بحث بخش دیگری از مقاله مورد استناد واقع می‌شود.

روایت ظریف را می‌توان دلیل مشترک همه فقهای دانست که یا به دیدگاه یک‌دوم دیه در بحث حاضر معتقد هستند و یا از باب بحث و بررسی دیدگاه مورد نظر به آن اشاره کرده‌اند. در هر صورت، روایت ظریف را می‌توان مهم‌ترین دلیل دیدگاه یک‌دوم دیه در جنایات مورد نظر دانست. روایت ظریف یک روایت بسیار طولانی است که دیه جنایات ترک دندان و لق شدن دندان، فقط بخش کوچکی از آن روایت را شامل می‌شود. بر این اساس، فقط به ذکر بخش مورد بحث از روایت اکتفا می‌شود. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ ظُرَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ ظُرَيْفِ بْنِ نَاصِحٍ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ يَقَالُ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أُيُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو الْمُتَطَبِّبُ قَالَ: وَ فِي الْأُسْتَنْانِ... وَ إِنِ انْصَدَعَتْ وَ لَمْ تَسْقُطْ قَدِيتْهَا خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ دِينَارًا؛ هرگاه دندان دچار جنایات ترک خوردگی و لقی بشود، در حالی از جای خود کنده نشود، دیه آن بیست و پنج دینار خواهد بود» (۳۹-۳۶).

۳-۱-۳. ارزیابی روایت ظریف: فقهای امامیه درباره حکم بیست و پنج دینار برای جنایات ترک دندان و لقی دندان بر اساس روایت ظریف دیدگاه یکسانی ندارند، هرچند همانطور که گفته شد، بعضی از فقها به دیدگاه مذکور معتقد هستند، اما فارغ از آنکه روش بعضی از فقها به گونه‌ای است که نمی‌توان رأی نهایی آنان را درباره استناد به روایت ظریف در بحث حاضر مشخص نمود، گروهی از فقها به استناد مذکور نقد دارند. مهم‌ترین نقد این گروه از فقها منحصر در دو

موضوع است: اول آنکه سند روایت ظریف را با مشکل مواجه می‌دانند و بعضاً آن را نامعتبر می‌خوانند (۱۳)؛ دوم آنکه بر این باور هستند اگر سند روایت بدون اشکال باشد، اما تاکنون هیچ یک از فقها در جنایات ترک دندان و لقی دندان به روایت ظریف عمل نکرده‌اند «لکن لم أجد به قائلًا» (۱۱، ۱۳). قوت نقدهای مذکور، نیازمند بررسی سندی و دلالتی روایت ظریف است. بر این اساس تلاش می‌شود در مرحله اول به ارزیابی سند روایت ظریف پرداخته شود و در ادامه، ارزیابی دلالت بخش مورد نظر روایت ارائه شود:

- ارزیابی سندی روایت ظریف: ظریف بن ناصح محضر امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) را درک کرده است و از امام صادق (ع) روایات زیادی نقل نموده است. ظریف در کوفه به دنیا آمده و در بغداد نشو و نما یافته است (۴۰). نجاشی در رجال خود از وی کتب دیات، حدود، نوادر و الجامع فی سائر أبواب الحلال و الحرام را نقل می‌کند (۴۱). رجالیان امامیه ایشان را بر مذهب امامیه دانسته و وی را در زمره راستگویان و از ثقات دانسته‌اند «ظریف بن ناصح... و كان ثقة في حديثه صدوقًا» (۴۰، ۴۲). روایت مورد بحث «ظریف بن ناصح» در چهار منبع روایی مهم امامیه اعم از الکافی، وسائل الشیعه، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده است که در بخش ارزیابی دلالتی به تفصیل درباره آن بحث خواهد شد، لکن تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که روایت مذکور در هر چهار منبع «تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه، الکافی و وسائل الشیعه» دارای طرق صحیح است. در هر صورت نمی‌توان در سند روایت ظریف تردید کرد، به ویژه آنکه روایت مورد بحث دارای شهرت فتوایی است و مشهور فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند (۴۳).

- ارزیابی دلالتی روایت ظریف: همانطور که پیش‌تر اشاره شد، روایت ظریف در هر چهار منبع روایی امامیه قابل مطالعه است، لکن روایت ظریف از نگارش یکسان در همه منابع برخوردار نیست، از این رو برای نهایت دقت در ارزیابی دلالت روایت، لازم است بخش روایی مورد نظر در هر چهار منبع روایی مطابق با جدول ۱ استخراج شود.

جدول ۱: بخش‌بندی روایت ظریف

بخش روایی	کتاب
«وَ إِنْ أَنْصَدَعْتَ وَ لَمْ تَسْقُطْ قَدَيْتُهَا خَمْسَةً وَ عِشْرُونَ دِينَاراً» (۳۶)	کتاب الکافی
«وَ إِنْ تَصَدَّعْتَ وَ لَمْ تَسْقُطْ قَدَيْتُهَا خَمْسَةً وَ عِشْرُونَ دِينَاراً» (۳۷)	کتاب تهذیب الأحکام
«فَإِنْ أَنْصَدَعْتَ وَ لَمْ تَسْقُطْ قَدَيْتُهَا خَمْسَةً وَ عِشْرُونَ دِينَاراً» (۳۹)	کتاب وسائل الشیعة
«وَ إِنْ أَنْصَدَعْتَ فَلَمْ تَسْقُطْ قَدَيْتُهَا خَمْسَةً وَ عِشْرُونَ دِينَاراً» (۳۸)	کتاب من لایحضره الفقیه

جنایات ترک دندان و لقی دندان به میزان بیست و پنج دینار است (۳۴-۳۳، ۴۴).

۴. دیه ترک و لقی همه دندان‌ها با معیار بیست و پنج دینار: تا اینجای بحث می‌توان دریافت که اشکالات وارد بر روایت ظریف از قوت لازم برای کنارگذاشتن این روایت در تعیین دیه ترک دندان و لقی دندان برخوردار نیست، اما اشکال مقدری بر روایت ظریف وارد است که پرداختن به آن می‌تواند علاوه بر آنکه موجب رفع آن ابهام از استناد به روایت ظریف در بحث حاضر شود، موجب تفکیک حکم دیه در جنایات مورد نظر بر دندان خواهد بود.

۴-۱. اشکال توزیع دیه با معیار بیست و پنج دینار: همانطور که از حکم روایت ظریف در همه منابع روایی معلوم بود، دیه ترک دندان و دیه لقی شدن دندان به طور مطلق به عبارت بیست و پنج دینار وضع شده بود. اشکال مقدری که به حکم روایت ظریف بازمی‌گردد، در واقع به مطلق‌گویی روایت نظر دارد، زیرا همانطور که در نص روایت ظریف و همچنین در ماده ۶۱۶ ق.م.ا آمده است: «از بین‌بردن تمام دندان‌های دائم بیست‌وهشت‌گانه، دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود: ۱- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد؛ ۲- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد.» بر این اساس دیه دندان‌های جلو که دوازده عدد است، به عبارت یک‌بیستم دیه کامل است و دیه دندان‌های عقب که جمعاً شانزده عدد

بررسی بخش مورد بحث از روایت ظریف در چهار منبع روایی، بیانگر آن است که تفاوت قابل‌اعتنایی در این بخش از روایت میان چهار منبع روایی وجود ندارد. تنها تفاوت موجود به واژه «صدع» بازمی‌گردد که در منبع روایی تهذیب الاحکام با هیأت «تَصَدَّعْتَ» قابل مشاهده است، در حالی که در سه منبع روایی دیگر با هیأت «أَنْصَدَعْتَ» نگارش شده است. تفاوت مذکور در دلالت روایت کاملاً بدون اثر است. بر این اساس می‌توان دریافت که بخش مورد نظر در همه منابع روایی بیانگر آن است که هرگاه دندان مجنی‌علیه، دچار ترک‌خوردگی یا لقی شود، در صورتی که از جای خود کنده نشود، دیه آن به میزان بیست و پنج دینار خواهد بود. دلالت روایت ظریف در انتقال میزان دیه ترک دندان و لقی شدن دندان کاملاً واضح است و هیچ‌گونه ابهام یا پیچیدگی خاصی در دلالت بخش روایی مورد نظر وجود ندارد. تاکنون مشخص می‌شود استناد به روایت ظریف خواه از جهت سندی و خواه از جهت دلالتی بدون اشکال است، حائز اهمیت است؛ بسیاری از فقهای امامیه، حتی فقیهانی که در پژوهش حاضر از مخالفین استناد به روایت ظریف هستند، همگی در موضوعات مختلف دیات به روایت ظریف استناد کرده و از آن بهره‌ها جسته‌اند، زیرا همانطور که پیش‌تر هم اشاره شد، هیچ‌گونه تردیدی در سند روایت ظریف نمی‌توان کرد، بالاخص که روایت ظریف دارای شهرت فتوایی است و مشهور فقها بر اساس آن فتواها داده‌اند. در خصوص ادعای عمل‌نکردن فقها به بخش روایی ظریف در خصوص جنایات ترک دندان و لقی دندان، تردید وجود دارد، زیرا همانطور که در بخش ارائه دیدگاه‌ها به تفصیل بحث شد، فقهایی هستند که بر اساس روایت ظریف بر این باورند که دیه

است، به عبارت یک‌چهلیم دیه کامل است. حال اگر دندان ترک بردارد و یا لقی شود، مطابق با اطلاق روایت ظریف باید بیست و پنج دینار، یعنی یک‌چهلیم دیه کامل برای آن وضع نمود. هرچند دیه بیست و پنج دینار که معادل یک‌چهلیم دیه کامل است، برای دندان‌های جلو قابل پذیرش است، اما این حکم مذکور، یعنی بیست و پنج دینار که معادل یک‌چهلیم دیه کامل است، برای دندان‌های عقب قابل پذیرش نیست، زیرا دیه از بین بردن دندان‌های عقب به عبارت یک‌چهلیم دیه کامل است، چگونه می‌شود که همچنان دیه ترک برداشتن و یا لقی شدن دندان‌های عقب مانند دیه از بین رفتن آن‌ها به عبارت یک‌چهلیم دیه کامل باشد؟! چه بسا، از جمله دلایلی که موجب شده است در کنار ادله سند روایت و دلالت روایت ظریف، بعضی از فقها موضع دقیق و روشن خود را در پذیرش این بخش از روایت ظریف معلوم نمی‌کنند، اشکال مقدر مذکور باشد.

۴-۲. ارزیابی اشکال توزیع دیه با معیار بیست و پنج

دینار: بی‌تردید اگر بخش روایی مورد نظر در روایت ظریف به تنهایی و بدون تفحص در منابع فقهی و روایی دیگر مورد توجه قرار بگیرد، اشکال مقدر فوق‌الذکر با قوت تمام وارد خواهد بود، زیرا دیه جنایات ترک و لقی دندان بدون هیچ قیدی برای همه دندان‌ها معادل یک‌چهلیم دیه کامل معین شده است که این حکم قطعاً برای دندان‌های عقب قابل پذیرش نیست، اما با مطالعه منابع دیگر فقهی و روایی، می‌توان روایت مشهور به «رضوی» را که پیش‌تر اشاره شده بود و بعضی از فقها به آن استناد جسته‌اند را برای حل اشکال مقدر مورد بهره‌برداری قرار داد. در کتاب فقهی منسوب به امام رضا (ع) روایتی را می‌توان با شماره ۶۷ تحت عنوان «فی الاسنان» مورد مشاهده قرار داد که مطلب صریحی درباره بحث حاضر دارد. در آن روایت آمده است: «اعْلَمْ أَنَّ دِيَةَ الْأَسْنَانِ... وَإِذَا انْصَدَعَتْ وَلَمْ تَسْقُطْ فَدِيَتُهَا نِصْفُ دِيَةِ السَّاقِطِ؛ هرگاه دندان دچار ترک خوردگی و یا لقی شود، در حالی که از جای خود کنده نشود، دیه آن عبارت از نصف دیه همان دندان خواهد بود» (۴۵). تفاوت روایت مذکور با روایت ظریف در معادل گویی روایت رضوی است، زیرا دیه ترک دندان و لقی

دندان در روایت ظریف با عدد بیست و پنج دینار ذکر شده است و در روایت رضوی با نسبت یک‌دوم دیه همان دندان. حکم دیه ترک دندان و یا لقی دندان در هر دو روایت مورد نظر دارای یک نقطه مشترک هستند، نقطه مشترک آن‌ها در حکم دیه دندان‌های جلو است، زیرا بیست و پنج دیناری که در روایت ظریف آمده است، با یک‌دوم دیه‌ای که در روایت رضوی برای ترک دندان و یا لقی دندان آمده است، برابر است. از این رو است که فقهای معاصر در تحلیل روایت ظریف بر این باور هستند که حکم دیه بیست و پنج دینار در روایت ظریف ناظر بر دندان‌های جلو وضع شده است (۴۴)، لکن نسبت یک‌دوم دیه رضوی را در جنایات مورد نظر می‌توان به عنوان یک قاعده کلی برای همه دندان‌ها در نظر گرفت و به طور کلی اعلام کرد که دیه ترک برداشتن و لقی دندان در همه دندان‌ها عبارت از یک‌دوم دیه کامل همان داندان است.

نتیجه‌گیری

ترک دندان یا لقی دندان، از جمله جنایات دندان محسوب می‌شوند که قانونگذار جزایی طی ماده ۶۲۰ ق.م.ا آن جنایات را در دو فرض، مورد تقنین قرار داده است. یکی از دو فرض جنایات مذکور، هنگامی است که دندان در اثر جنایات ترک خوردگی و لقی‌شدگی در موقعیتی واقع نشود که در حکم از بین رفتن دندان باشد، بلکه به همان ترک ساده و یا لقی‌شدگی معمولی ختم شود. قانونگذار جزایی به تبع دیدگاه گروهی از فقها به حکم ارش در فرض مذکور معتقد است، اما فقهای امامیه در این باره به دو دیدگاه دیگر معتقد هستند: ۱- گروهی از فقها به لزوم دوسوم دیه همان دندان معتقد هستند، اما دیدگاه مذکور فاقد دلایل معتبر شرعی است و طبعاً نمی‌توان به آن تمسک جست؛ گروه دیگری از فقها به لزوم یک‌دوم دیه در جنایات مورد بحث معتقد هستند. این گروه از فقها در مقام اقامه دلیل به دو روایت «ظریف» و روایت «رضوی» استناد می‌جویند. بررسی‌های سندی و همچنین ارزیابی‌های دلالی، بیانگر آن است که روایات مورد نظر از قوت لازم برای استناد به آن‌ها برخوردار هستند. مطابق با دیدگاه

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

اخیر، هرگاه دندان‌های جلو که عبارتند از پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هدف جنایات ترک‌خوردگی و لق‌شدگی واقع شود؛ دیه آن‌ها یک‌دوم دیه همان دندان که معادل یک‌چهلیم دیه کامل یک انسان، یعنی بیست و پنج دینار خواهد بود، اما اگر دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هدف جنایات ترک‌خوردگی و لق‌شدگی واقع شود، دیه آن‌ها یک‌دوم دیه همان دندان که معادل یک‌هشتادم دیه کامل یک انسان، یعنی دوازده و نیم دینار خواهد بود.

پیشنهاد اصلاح ماده ۶۲۰ ق.م.ا: بر اساس تحقیقات انجام‌شده پیرامون میزان دیه دندان در جنایات ترک‌خوردگی و لق‌شدگی، می‌توان ذیل ماده ۶۲۰ ق.م.ا را مورد نقد قرار داد و اصلاح آن را جهت تقنین پیشنهاد داد: «ایجاد ترک یا لق کردن دندان، هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت، موجب یک‌دوم دیه همان دندان است.»

مشارکت نویسندگان

طه زرگریان: ارائه ایده، نگارش مقاله، گردآوری منابع، نظارت. فرحناز سادات یوسف‌زاده: نگارش مقاله، گردآوری منابع. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Hashemi Shahrudi M. Dictionary of Figh. Qom: Institute of Encyclopedia Islamic Jurisprudence according to the religion of Ahl al-bayat; 2003. Vol.2 p.850. [Persian]
2. Khavari Y, et al. Detailed dictionary of criminal jurisprudence. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences; 2010. p.55. [Persian]
3. Goodarzi F. Forensic Medicine. Tehran: Samt Publications; 2015. p.46, 307. [Persian]
4. Hatami R. Teeth in Roshd Encyclopedia. Tehran: Hakim Publications; 2017. p.3, 23. [Persian]
5. Madani Kashani R. Kitab al-Diat. Qom: Qom Seminary Teachers' Community, Al-Nashar al-Islami Institute; 1988. p.214-215. [Arabic]
6. Ibn Manzour JD. Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Fekr lel Teba'a; 1994. Vol.2 p.582; Vol.8 p.194; Vol.11 p.213. [Arabic]
7. Faraheedi KH. Kitab al-'Eyn. Qom: Hijrat Publication; 1990. Vol.1 p.141-142; Vol.4 p.140; Vol.7 p.418. [Arabic]
8. Ma'luf L. Al-Munajjid fi al-Logha al-Arabia al-Mo'asera. Beirut: Dar al-Mashriq; 2000. p.410, 785, 1181. [Arabic]
9. Al-Johari A. Al-Sehah Tajoloqah va Sehah Alarabia. Beyrut: Dar al-Elm Lelmalayin; 1987. Vol.3 p.1241; Vol.4 p.1675; Vol.5 p.1805. [Arabic]
10. Shahid Thani Z. Al-Roza al-Bahia fi Sharh al-Lom'a al-Demashqia. No Place: No Name; No Date. Vol.2 p.433. [Arabic]
11. Tabatabaei A. Riaz al-Masa'el. Qom: 'Al al-Bayt (peace be upon him) Institute for Revival of Heritage; 1998. Vol.16 p.461-462. [Arabic]
12. Seymari M. Ghaya al-Maram fi Sharh Shara'e al-Islam. Beirut: Dar al-Hadi; 2000. Vol.4 p.452. [Arabic]
13. Ibn Fahad Helli A. Al-Mohazzab al-bare' fi Sharh al-Mokhtasar al-Nafe'. Qom: Qom Seminary Teachers' Community, Al-Nashar al-Islami Institute; 1987. Vol.5 p.327. [Arabic]
14. Bostani F. Alphabetical dictionary. Tehran: Islamic Publication; 1996. p.214, 216. [Persian]
15. Ibn Fahad Helli A. Al-Moqtasar min Sharh al-Mokhtasar. Mashhad: Astana al-Razaviya Al-Maqdisa; 1990. p.452. [Arabic]
16. Qazaei S. Forensic Medicine. Tehran: University of Tehran Publications; 1993. p.78-79. [Persian]
17. Allameh Helli H. Tahrir al-Ahkam al-Shar'eia ala Mazhab al-Imamyia. Qom: Imam Sadeq Institution; 2000. Vol.5 p.602. [Arabic]
18. Mofid M. Al-Moqna'. Qom: Qom Seminary Teachers' Community; 1990. p.757. [Arabic]
19. Ibn Hamze M. Al-Vasilah ila neil al-Fazilah. Qom: Mar'ashi Library; 1988. p.448. [Arabic]
20. Shahid Avval H. Al-lom'a al-Demashqia. No Place: Dar al-Fikr; No Date. Vol.1 p.262. [Arabic]
21. Allameh Helli H. Qava'ed al-Ahkam. Qom: Islamic Publications; 1993. Vol.3 p.677. [Arabic]
22. Toosi M. Al-Nehaya fi Mojarrad al-Fiqh va al-Fatawi. Beirut: Dar al-Kitab; 1980. p.768. [Arabic]
23. Khuii SA. Mosu'a al-Imam Khuii. Qom: Institute of Revival of Works of Imam Khuii; 2000. Vol.42 p.464. [Arabic]
24. Mohaqeq Helli J. Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram. Qom: Ismaelian; 1988. Vol.4 p.249. [Arabic]
25. Najafi MH. Javaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi; 1984. Vol.43 p.239. [Arabic]
26. Fazil Hindi M. Kashf al-lesam an Qava'ed al-ahkam. Qom: Islamic Development Organization; Qom Seminary Teachers' Community. 1996. Vol.11 p.363-364. [Arabic]
27. Fazil M. Al-Tanqih al-Ra'e' li-Mokhtasar al-Shara'e'. Qom: Ayatollah Marashi Library; 1984. Vol.4 p.500. [Arabic]
28. Hosseini Ameli SJ. Meftah al-Karama fi Sharh Ghava'ed al-Allama. Qom: Seminary Teachers' Community; 1999. Vol.26 p.400-401. [Arabic]
29. Movahedi Lankarani M. Tafsil al-Shari'a (Kitab al-Diat). Qom: Center for Fiqh of al-Ae'me al-Athar (peace be upon them); 1997. p.160. [Arabic]
30. Shahid Thani Z. Masalik al-Afham ilā Tanqih Sharayi' al-Islam. Qom: Al-Ma'aref al-Islamia Institute; 1993. Vol.15 p.423. [Arabic]
31. Moqaddas Ardabili A. Majma' al-Fa'eda va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan. Qom: Qom Seminary Teachers' Community; No Date. Vol.14 p.393. [Arabic]
32. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Tehran: Organization for Editing and Publishing the Works of Imam al-Khomeini; 2013. Vol.2 p.616. [Arabic]
33. Ibn Sa'id YA. Al-Jam'e lel Shara'e'. Qom: Sayyed al-Shohada Institute; 1985. p.615. [Arabic]

34. Meshkini A. Al-Ta'liqa al-Istedlalia ala Shar'e' al-Islam. Tehran: Dar Hadith Scientific and Cultural Institute; 2012. Vol.3 p.388. [Arabic]
35. Ibn Sa'id YA. Nozaha al-Nazer fi Jam' Bayn al-Ashbah va al-Naza'er. Najaf: Matba'a al-Adab; 2015. p.146. [Arabic]
36. Kolehini AJM. Al-Kafi. Qom: Dar al-Kotob al-Islamia; 1987. Vol.7 p.333. [Arabic]
37. Toosi M. Tahzib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia; 1987. Vol.10 p.300. [Arabic]
38. Sadooq M. Man la Yahzorhoh al-Faqih. Qom: Qom Seminary Teachers' Community; 1993. Vol.4 p.83. [Arabic]
39. Ameli M. Wasa'el al-Shi'a. Qom: 'Al al-Bayt (peace be upon him) Institute. 1989. Vol.29 p.298. [Arabic]
40. Ibn Davood Helli H. Rejal Ibn Davood. Tehran: University of Tehran Publications; 2004. Vol.1 p.113; Vol.2 p.283. [Arabic]
41. Najashi A. Rejal al-Najashi. Qom: Qom Seminary Teachers' Community; 1987. p.209. [Arabic]
42. Allameh Helli H. Rejal al-Allama. Najaf: Publications of the Al-Haydaria Press; 1962. p.91. [Arabic]
43. By HA. A Contemplation on the Principle of the Blood Money for Bone Fracture. Islamic Law. 2015; 12(44): 31-65. [Persian]
44. Sobhani J. Courses of High Jurisprudence. Qom: Base Courses of High Jurisprudence; 2010. [Persian]
45. Ali bin Musa (a.s.) the eighth Imam. Fiqh al-Reza. Qom: 'Al al-Bayt Foundation (peace be upon him) for the Revival of Heritage; 1986. p.319. [Arabic]